

## تجربه آزمایشگاه و کارگاه علوم سیاسی؛ راهکارهایی برای بازنگری و بازنویسی علوم سیاسی در ایران

دکتر محمد باقر حشمت‌زاده<sup>۱</sup>

### چکیده

متن حاضر حاصل یک تجربه خلاق و جذاب در بازنگری و آسیب‌شناسی علوم سیاسی در ایران است. در بهار ۱۳۸۱ درسی با عنوان «کارگاه و آزمایشگاه علوم سیاسی» برای دانشجویان رشته علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی ارائه شد و نوشتار فعلی گزارشی از برنامه آن کلاس و نتایج حاصل است. تشکیل این کارگاه مبتنی بر مفروضات و برخی مجهولات و فرضیاتی بود که فضای گفتمان این رشته را دربرگرفته بود و یافته‌های این تجربه می‌توانست آنها را شرح و آزمون نماید. سؤال این بود که اصولاً دانش موجود سیاسی در ایران چه استفاده و کاربردی دارد؟ آیا این علوم سیاسی انسجام و یک پارچگی علمی و منطقی دارد؟ علوم سیاسی ایران چه مبانی و مؤلفه‌هایی دارد؟ آموزه‌ها و یافته‌های این رشته آیا با اصول و آموزه‌های رسمی نظام جدید انقلابی و اسلامی در ایران همراهی و همخوانی دارد؟

---

۱. دانشیار دانشگاه شهید بهشتی

ابهامات و مجهولات در این راستا فراوان بوده و هست و پاسخ‌های متنوع و متکثر و بعضاً متعارضی به آنها داده شده است که این گستردگی و تنوع، برای علوم سیاسی ایران فرصت‌ها و تهدیدهای زیادی دارد. با این رویکرد می‌توان چنین فرض نمود که علوم سیاسی امروز ایران در مرحله‌ای از بحران خلاق و دوران گذار سیر می‌کند و در این صورت تمام اصحاب این رشته بر خود فرض می‌دانند که برای مدیریت بهینه این بحران و استفاده و بهره‌برداری از آن تلاش کنند؛ لذا راه‌اندازی کارگاه و آزمایشگاه علوم سیاسی در دانشگاه شهید بهشتی از درون چنین فضا و متنی، قابل فهم و توجیه است.

جهت‌بازنگری و بازتولید یک علوم سیاسی بومی، علمی و کاربردی، اقدامات و فعالیت‌هایی به این شرح در کارگاه و آزمایشگاه مورد بحث به عمل آمد:

نظم و نظام از مهمترین مفاهیم و متغیرهای سیاسی هستند که به منظور فهم عمیق و دقیق آن در این کارگاه از یافته‌های هندسه و معماری سودجسته شد و جهت درک پویایی نظم، از آزمایشگاه‌های فیزیک و شیمی بازدید شد و گشت و گذار در شهر و مشاهده فعال جامعه و روابط انسانی نیز به کار گرفته شد. حاصل آنکه در قیاس با این علوم، معنا و کاربرد علم سیاست‌سنجش و ارزیابی شده، وجوه افتراق و اشتراک این دانش از حیث روش و محتوا مورد بحث و استنتاج واقع شد؛ اما در بخش دیگری از کارگاه، علم سیاست از درون خودش مورد کنکاش واقع شد و مبتنی بر سه دسته پرسشنامه‌های نظرسنجی و افکارشناسی، مفاهیم اساسی سیاسی، بحث و بررسی شد. این پرسشنامه‌ها متمرکز بر شناخت افکار و رفتار شهروندان گوناگون به عنوان بازیگران سیاسی بود. حاصل آنکه یافته‌هایی در حد فرضیات مذکور قابل استنتاج شد:

علوم سیاسی موجود در ایران در حد لازم و کافی:

۱- علمی نیست

۲- کاربردی نیست

۳- بومی نیست

۴- منسجم نیست

آسیب هاوکاستی‌های مزبور باید با پژوهش‌هایی بنیادی شرح و آزمون شده و در فعالیت جمعی اندیشه ورزان سیاست، راهکارها و راهبردهایی برای رفع آنها ارائه شود. راهکار و رهیافت این تجربه نیز در انتهای این نوشتار و گزارش به صورت یک طرح مدون برای تأسیس و تجهیز اولین کارگاه و آزمایشگاه علوم سیاسی در ایران آمده است. نقد و نظر دست‌اندرکاران سیاست بر غنای این تجربه خواهد افزود.

واژگان کلیدی: علوم انسانی، علوم سیاسی، آزمایشگاه، ایران، نظام آموزشی، دانشگاه